

|  |
| --- |
|  |
| www.ziaossalehin.ir |
| |  |  |  | | --- | --- | --- | | ضیاءالصالحین | www.ziaossalehin.ir | [Date] | [Course title] | |

«همین تربت پاك شهیدان است كه تا قیامت مزار عاشقان و عارفان و دلسوختگان و دارالشفای آزادگان خواهد بود». امام‌خمینی«رضوان‌الله‌تعالی‌علیه»

«شهداء شاهد بر باطن و حقیقت عالم‌اند....

آمده‌اند تا حلقه‌ی مفقوده‌ی هدایت را کامل کنند». «شهید آوینی»

بسم الله الرّحمن الرّحیم

مِنَ الْمُؤْمِنينَ رِجالٌ صَدَقُوا ما عاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ

فَمِنْهُمْ مَنْ قَضى‏ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَ ما بَدَّلُوا تَبْديلا[[1]](#footnote-1)

از مؤمنان کسانی هستند كه بر سر عهدى كه با خدا بستند صادقانه ايستاده‏اند؛ بعضى عهد خود را ادا کردند و بعضى در انتظارند ولی هرگز تغيير و تبديلى در عهد و پيمان خود ندادند.

شهدا صادقانه به عهد خود با خدا وفا کردند و رفتند و در حفظ نظام اسلامی از بذل جان دریغ ننمودند و شما با نظر به حضرت صاحب‌الأمر به زیارت آن‌ها می‌روید تا به زیارت کسانی رفته باشید که قلب مبارک حضرت زهرا را شاد کردند. پس با توسلِ پی در پی به حضرت صدیقه‌ی طاهره سفر را شروع کنید و ادامه دهید.

حضرت امیرالمؤمنین در مسیر خود به سوی صفین چون به محلی رسیدند که بعداً حضرت سیدالشهداء و اصحاب آن حضرت شهید شدند، در آن محل از اسب پیاده شدند و در حالی که چون باران اشک می‌ریختند، ‌فرمودند: «هَذَا مُنَاخُ رِكَابِهِمْ وَ هَذَا مُلْقَى رِحَالِهِمْ وَ هٰهُنَا تُهَرَاقُ دِمَاؤُهُمْ طُوبَى لَكِ مِنْ تُرْبَةٍ عَلَيْكِ تُهَرَاقُ دِمَاءُ الْأَحِبَّة». اين‌جا محل فرود آمدنشان است، اين‌جا محل اثاث و خيمه‏گاه آنان مي‌باشد، اين‌جا خونشان ريخته خواهد شد، خوشا خاكى كه خون‌هاى محبوب‏های خدا بر روى آن ريخته خواهد شد. و شما نیز به زیارت تربت‌هایی آمده‌اید که خون بهترین بنده‌های خدا در این عصر بر روی آن ریخته است.

آری محل شهادت یاران اسلام دل‌ها را خدایی می‌کند و تا ابد حضور روح شهداء در محل شهادتشان راه اُنس با خدا خواهد بود. پس باید به زیارت آن مکان‌ها شتاب کنیم و در آن‌جا اُنس با خدا را بیابیم.

در رابطه با زیارت می‌توان به نکات زیر توجه کرد:

1ـ رسول خدا در معراج به زیارت خدا رفتند تا در نهایت اُنس با حضرت حق باشند.

2ـ حضرت موسی در وادی مقدس طور نیز به زیارت خدا رفتند و خداوند به آن حضرت فرمود: «فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوادِ الْمُقَدَّسِ طُوى‏».[[2]](#footnote-2) نعلین خود را در آور که در وادی مقدس طور هستی. و قلب حضرت موسی در آن سرزمین آماده‌ی پذیرش تجلی نور خدا شد.

3ـ قرآن در رابطه با این‌که در کنار رسول خدا و زیارت آن حضرت باید ادب نگه داشت تا از برکت زیارت بهره‌مند شد، به مؤمنین می‌فرماید: «لا تَرْفَعُوا أَصْواتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِي‏»[[3]](#footnote-3) صدای خود را از صدای پیامبر خدا بلندتر ننمایید.

4ـ نماز، زیارت معبود است و به گفته‌ی امام باقر: «لَوْ يَعْلَمُ الْمُصَلِّي مَنْ يُنَاجِي مَا انْفَتَلَ»[[4]](#footnote-4) اگر نمازگزار می‌دانست با چه کسی نجوا می‌کند هرگز نماز خود را تمام نمی‌کرد. و شهدا انسان‌هایی هستند که با بذل جان خود نماز را به‌پا داشتند و عملاً راه اُنس با خدا شدند و به این نیت به زیارت آن‌ها آمده‌اید.

5 ـ طوافِ کعبه، زیارت بیت الله و نمازِ بعد از طواف، زیارت ربّ‌البیت است. و زیارت شهدا زیارت کسانی است که با طواف به گِرد بیت اللهِ نظام مقدس اسلامی راه زیارت ربّ البیت را به روی زائر خود می‌گشایند و عملاً شما را به ملاقات خدا می‌برند.

6 ـ امامان، همان‌گونه که طالب حج و عمره‌اند، طالب زیارت رسول خدا می‌باشند و به خداوند عرض می‌کنند: «اللَّهُمَّ وَ امْنُنْ عَلَيَّ بِالْحَجِّ وَ الْعُمْرَةِ، وَ زِيَارَةِ قَبْرِ رَسُولِك‏»[[5]](#footnote-5) پروردگارا! حج و عمره و زیارت قبر رسول خود را نصیب من بگردان.

در همین راستا زیارت محلِ شهادت یاران رسول خدا مطلوب آن‌هایی است که می‌دانند در این محل‌ها بدن‌هایی به خاک افتاده است که صادقانه جان خود را در راه خدا بذل کردند. همان‌طور که زیارت محل فروافتادن دو دست حضرت اباالفضل مطلوب دل‌هایی است که راه اُنس با خدا را دنبال می‌کنند.

7ـ زیارت برادران ایمانی همانند زیارت پروردگار است چنان‌چه امام صادق فرمودند: «مَنْ زَارَ أَخَاهُ فِي اللَّهِ فِي مَرَضٍ أَوْ صِحَّةٍ لا يَأْتِيهِ خِدَاعاً وَ لا اسْتِبْدَالا وَكَّلَ اللَّهُ بِهِ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ يُنَادُونَ‏ فِي قَفَاهُ أَنْ طِبْتَ وَ طَابَتْ لَكَ الْجَنَّةُ فَأَنْتُمْ زُوَّارُ اللَّهِ وَ أَنْتُمْ وَفْدُ الرَّحْمَنِ حَتَّى يَأْتِيَ مَنْزِلَه‏»[[6]](#footnote-6) هرکس برادر ایمانی خود را در بیماری‌ و سلامتی‌اش زیارت کند بدون آن‌که قصد نیرنگ داشته باشد و یا انتظار عوض، خداوند بر او هفتاد هزار فرشته می‌گمارد تا در هنگام بدرقه‌اش ندا کنند: «پاک و پاکیزه باش و بهشت بر تو گوارا باد، شما زوّار خدایید و حضرت رحمان میزبان شماست» تا به خانه‌اش برگردد. آری با زیارت شهدا به زیباترین شکل به زیارت خدا خواهید رفت.

8 ـ قرآن می‌فرماید: «لَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَّلَمُواْ أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُواْ اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُواْ اللَّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا»[[7]](#footnote-7) ای رسول خدا! اگر کسانی که به خود ستم کردند به نزد تو مى‏آمدند و از خدا طلب آمرزش مى‏كردند و پيامبر هم براى آن‌ها استغفار مى‏كرد، خدا را توبه پذير و مهربان مى‏يافتند. یعنی حضور در محضر رسول خدا و اولیاء دین، موجب می‌شود تا قلب زائر پیوندی معنوی با روح ملکوتی مزور برقرارکند و در این حال به درگاه خداوند استغفار نماید و از برکت استغفارِ پیامبر و اولیاء و شهدا برخوردار شود و خدای سبحان را با تجلّی اسم توّابِ رحیم بیابد. لذا در زیارت اولیای الهی بگو:

«إلهی إِنِّي أَتَيْتُ اولیائک مُسْتَغْفِراً تَائِباً مِنْ ذُنُوبِي وَ إِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكم إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَ رَبِّكُم لِيَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي‏».[[8]](#footnote-8) خدایا! من به سوی اولیاء تو آمدم، در حال استغفار و توبه از گناهان و غفلت‌هایم و ای اولیاء الهی با نظر به شما به سوی خداوند که پروردگار من و شماست آمدم تا او گناهانم را ببخشد.

9ـ برجسته‌ترین اهداف زیارت، اتّصافِ زائر به اوصاف مزور است. آن‌هایی که می‌توان در خطاب به آن‌ها گفت: «و بَذَلْتُمْ أَنْفُسَكُمْ فِي مَرْضَاتِه‏ِ وَ صَبَرْتُمْ عَلَى مَا أَصَابَكُمْ فِي جَنْبِه‏» شما در راه رضای خدا جان خود را بذل کردید و در برابر هر رنجی که در جنب طلب رضایت خدا پیش آمد، شکیبا بودید و از مسیر خود برنگشتید. و لذا با زیارت چنین انسان‌هایی، عزمِ جلبِ رضایت خداوند در زائر شدید می‌شود و راهِ به هدرندادن عمر خود را می‌یابد.

10ـ در دعای امیرالمؤمنین آمده‌است: «نَسْأَلُ اللَّهَ مَنَازِلَ الشُّهَدَاءِ وَ مُعَايَشَةَ السُّعَدَاءِ»[[9]](#footnote-9) از خداوند جایگاه شهدا و زندگی انسان‌های سعادت‌مند را می‌خواهم. هم‌چنان که از حضرت سجاد داریم: «حَمْداً نَسْعَدُ بِهِ فِي السُّعَدَاءِ مِنْ أَوْلِيَائِهِ، وَ نَصِيرُ بِهِ فِي نَظْمِ الشُّهَدَاءِ بِسُيُوفِ أَعْدَائِه‏»[[10]](#footnote-10) حمد خدا را که به وسیله‌ی آن در بین نیکان از اولیاء خدا کامروا گردیم و به سبب آن در زمره‌ی شهدایی درآییم که با شمشیرِ دشمنان خدا کشته شدند. آری امامان طالب پیوند به شهدا هستند و با زیارتِ محل شهادت آن‌ها إن‌شاءالله این پیوستگی برقرار می‌شود.

11ـ کسی که جان خود را در راه خدا بذل کرد، با خدا معامله نمود. خداوند به او خبر می‌دهد: «فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذي بايَعْتُمْ بِه‏»[[11]](#footnote-11) بشارت باد شما را به معامله‌ای که با خدا کردید. آن‌گاه خدای سبحان جان او را به بهترین نحو می‌خرد و او را به نورانیتی می‌رساند که او می‌تواند زائر خود را از آن نور بهره‌مند کند و حالا شما به امید بهره‌مندی از آن نور به زیارت شهدا آمده‌اید.

12ـ‌ قرآن می‌فرماید: «وَ لا تَحْسَبَنَّ الَّذينَ قُتِلُوا في‏ سَبيلِ اللَّهِ أَمْواتاً بَلْ أَحْياءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُون‏. فَرِحينَ بِما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلاَّ خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُون‏»[[12]](#footnote-12) هرگز گمان مبرید كسانى كه در راه خدا كشته شدند، مردگانند! بلكه آنان زنده‏اند، و نزد پروردگارشان روزى داده مى‏شوند. آن‌ها به خاطر نعمت‌هاى فراوانى كه خداوند از فضل خود به ايشان بخشيده است، خوشحالند؛ و بشارت می‌دهند به آن‌هایی که در همان مسیر هستند ولی هنوز به آن‌ها ملحق نشده‌اند که نگران نباشید و هیچ غمی به خود راه ندهید. و این برکتِ زیارت شهدا است در محلی که شهید شده‌اند و در چنین شرایطی شهیدان با نور تکوینی‌ خود در جان زائرِ خود که به راه او وفادار است ولی هنوز به او نپیوسته، تصرّف می‌کنند تا بهترین انتخاب را در مسیر فداکاری برای اسلام داشته‌باشد و زائر خود را به عالَم نفس مطمئنّه‌ای که خداوند به آن‌ها ارزانی داشته، وارد می‌کنند تا او نیز ندای «ارْجِعي‏ إِلى‏ رَبِّكِ راضِيَةً مَرْضِيَّة» را بشنود و داخل بندگان خاص خداوند و بهشت خاص او شود.

13ـ با این امید که وارد بندگان خاص خداوند خواهیم شد شهدا را زیارت می‌کنیم و ابتدا می‌گویید:

«الْحَمْدُ لِلّه عَلی هِدایَتِهِ لِدینِهِ وَ التَّوفیق لِما دَعا اِلَیْهِ مِنْ سَبیله و الحَمْدُ لله الَّذی عَرّفَنا اَوْلیائَهُ و أعْدائَهُ لِنَکونَ مِنَ الْمَفْلوحینَ وَ قَدْ أتَیتُکَ یا اِلهی مُتُقَرِباً اِلَیْکَ بِزیارَةِ اَوْلیائِک. اللّهم فَلا تُخَیِّبْ سَعْیی وَ لا تَقْطَع مِنْ فَضْلِکَ رَجائی».

حمد خدا را به جهت هدایت ما به سوی دین‌اش و توفیقی که به ما داد در جهت دعوت به سوی راهش و حمد خدایی را که دوستان خود و دشمنان خود را به ما شناساند تا ما از رستگاران باشیم. خدایا به امید نزدیکی به تو به زیارت اولیاء تو آمدم پس خدایا تلاشم را بی‌ثمر و امیدم به فضلت را قطع مفرما. و سپس در مقابل شهدا می‌ایستید و اظهار می‌دارید:

«السَّلامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الْقُبُورِ مِنْ أَهْلِ دِيَارٍ مِنَ الْمُؤْمِنِين» سلام بر شما ای اهل قبرها از سرزمین مؤمنین.

«السَّلامُ عَلَيْكُمْ بِما صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ» سلام بر شما به جهت شکیبایی که در راه خدا از خود نشان دادید و چه زیباست خانه‌ی آخرتتان.

«السَّلامُ عَلَيْكُمْ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ السَّلامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ اللَّهِ وَ أَنْصَارَ رَسُولِهِ وَ أَنْصَارَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَنْصَارَ ابْنِ رَسُولِهِ وَ أَنْصَارَ دِينِهِ» سلام بر شما ای اولیاء خدا، سلام بر شما ای یاوران خداوند و رسول او و امیرالمؤمنین و فرزندان رسول خدا و یاران دین او.

«أَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَنْصَارُ اللَّهِ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ- وَ كَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَما وَهَنُوا لِما أَصابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ- وَ ما ضَعُفُوا وَ مَا اسْتَكانُوا فَمَا ضَعُفْتُمْ وَ مَا اسْتَكَنْتُمْ حَتَّى لَقِيتُمُ اللَّهَ عَلَى سَبِيلِ الْحَقِّ» شهادت می‌دهم که شما حقیقتاً به یاری دین خدا برخاستید همچون کسانی که خداوند در وصف‌شان می‌فرماید: «چه بسیار پیامبران و همراهان الهی‌شان که در راه خدا مبارزه کردند بدون آن‌که از آن‌چه در آن مسیر به آن‌ها رسید سستی به خود راه دهند تا آن‌که خدا را ملاقات کردند.

«صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَ عَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَ أَبْدَانِكُمْ وَ أَجْسَادِكُمْ» سلام و صلوات خدا بر شما و روح‌ها و بدن‌ها و جسدهایتان.

«أَبْشِرُوا بِمَوْعِدِ اللَّهِ الَّذِي لَا خُلْفَ لَهُ وَ لَا تَبْدِيلَ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ وَعْدَهُ» بشارت باد بر شما وعده‌ی خدایی که وعده‌ی او تخلف‌پذیر و تبدیل‌پذیر نیست.

«وَ اللَّهُ مُدْرِكٌ بِكُمْ ثَارَ مَا وَعَدَكُمْ» و خداوند در رابطه با خونبهای شما و انتقام خون شما وعده‌ی خود را عملی خواهد کرد.

«أَنْتُمُ الشُّهَدَاءُ وَ أَنْتُمُ السُّعَدَاءُ سَعِدْتُمْ‏ عِنْدَ اللَّهِ وَ فُزْتُمْ بِالدَّرَجَاتِ مِنْ جَنَّاتٍ لَا يَظْعَنُ أَهْلُهَا وَ لَا يَهْرَمُونَ وَ رَضُوا بِالْمُقَامِ فِي دَارِ السَّلامِ مَعَ مَنْ نَصَرْتُمْ» شما شهيدان و سعادتمندانى هستيد كه نزد خدا به سعادت نائل شديد و رسيديد به درجات عالى بهشت «كه اهل آن هرگز از آن كوچ نكرده و پير و فرسوده نمى‏شوند، و خشنودند به اقامه نمودن در دار السّلام» در حالى كه با كسى هستيد كه نصرتش نموديد.

«جَزَاكُمُ اللَّهُ خَيْراً مِنْ أَعْوَانٍ جَزَاءَ مَنْ صَبَرَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ أَنْجَزَ اللَّهُ مَا وَعَدَكُمْ مِنَ الْكَرَامَةِ فِي جِوَارِهِ وَ دَارِهِ مَعَ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ» خدا به شما ياران و اعوان‌اش پاداش خير دهد پاداش كسانى را كه با رسول خدا صبر نمودند، خداوند وفا كرد به آنچه وعده به شما نمود و كرامتِ در جوارش و سكونتِ در خانه‏اش با انبياء و مرسلين و امير المؤمنين را نصيب شما نمود.

«أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي حَمَلَنِي إِلَيْكُمْ حَتَّى أَرَانِي مَصَارِعَكُمْ أَنْ يُرِيَنِيكُمْ عَلَى الْحَوْضِ رِوَاءً مَرْوِيِّينَ وَ يُرِيَنِي أَعْدَاءَكُمْ فِي أَسْفَلِ دَرْكٍ مِنَ الْجَحِيمِ» درخواست مى‏كنم از خدائى كه من را به سوى شما واداشت و رهسپار نمود و مصارع و مقتل شما را به من نشان داد اين‌كه نشان دهد به من شما را بر حوض كوثر در حالى كه سيراب مى‏باشيد، و نشان دهد دشمنان شما را در پائين‏ترين دركات جهنّم.

«وَالسَّلامُ عَلَيْكُمْ دَائِماً إِذَا فَنِيتُ وَ بُلِيتُ لَهْفِي عَلَيْكُمْ» درود بر شما دائما هنگامى كه فانى و پوسيده شده باشم،حسرت و افسوس مى‏خورم بر شما.

«هَنِيئاً لَكُمْ مَا أُعْطِيتُمْ وَ هَنِيئاً لَكُمْ مَا بِهِ حُيِّيتُمْ» گوارا باد شما را آنچه داده شده‏ايد، و گوارا باد بر شما آنچه به آن تحيّت گفته شده‏ايد.

«أَتَيْتُكُمْ شَوْقاً» نزد شما آمدم با شوق زیاد.

«أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُرِيَنِيكُمْ عَلَى الْحَوْضِ وَ فِي الْجِنَانِ مَعَ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ الشُّهَداءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسُنَ أُولئِكَ رَفِيقاً»[[13]](#footnote-13) از خدا مى‏خواهم كه شما را در حوض كوثر به من نشان دهد و در بهشت با انبياء و مرسلين و شهداء، و صالحين باشيد، و نيك رفيقانى هستند ايشان.

14- دو ركعت نماز برای شادی روح شهدا در هر منزلی بخوان و برای خود ودیگران طلب آمرزش از خدا بكن و براى خود دعا زیر را بخوان.

با گفتن دعای زیر معنی نمازی را که بعد از زیارت شهدا می‌خوانی متوجه باش و پس از خواندن نماز، با خواندن این دعا اولاً: شرایط را فراهم می‌کنی که زیارتت مورد قبول پروردگار قرار گیرد و در همین راستا از خدا تقاضا می‌کنی؛ «تَقَبَّلَها منّی». ثانیاً: از خداوند در راستای این زیارت تقاضای مقام محسنین را می‌کنی. رسول خدا در توصیف مقام محسنین می‌فرمایند:«اَلْإِحْسَانُ أَنْ تَعْبُدَ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاك‏»[[14]](#footnote-14) احسان عبارت است از آن‌که خدا را طوری عبادت کنی که گویا او را می‌بینی و اگر او را نمی‌بینی متوجه باشی او تو را می‌بیند. این آن مقامی است که بعد از نمازِ زیارت از خداوند تقاضا می‌کنی و بعد متذکر می‌شوی که مقصد تو در این نماز رجوع به خدا بوده است.

توصیه‌ی ما آن است که این دعا را در زیارت هرکدام از اولیاء الهی و شهداء، بعد از دو رکعت نماز بخوانی و امید رسیدن به مقام محسنین را داشته باشی.

اللَّهُمَّ إِنِّي صَلَّيْتُ هَاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ هَدِيَّةً مِنِّي إِلَى اولیائک صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِم

بار خدایا! این دو ركعت نماز هدیه‌ای باشد از طرف من اولیائت كه صلوات خدا بر آن ها باد.

‏ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَقَبَّلْهَا مِنِّي وَ اجْزِنِي عَلَى ذَلِكَ جَزَاءَ الْمُحْسِنِينَ‏.

بار خدايا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بپذير آن را از من و به من از آن طریق جزا و پاداش محسنین را عطا کن.

اللَّهُمَّ لَكَ صَلَّيْتُ وَ لَكَ رَكَعْتُ وَ لَكَ سَجَدْتُ وَحْدَكَ لاَ شَرِيكَ لَكَ‏.

خدايا براى تو نماز خواندم و براى تو ركوع كردم و براى تو سجود كردم، يكتايىِ تو را شریکى نيست.

لِأَنَّهُ لاَ تَكُونُ الصَّلاَةُ وَ الرُّكُوعُ وَ السُّجُودُ إِلاَّ لَكَ لِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ، لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ‏.

زيرا كه نماز و ركوع و سجود نمی‌باشد جز براى تو، تويى خدايى كه نيست معبودِ به حقى جز تو.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَقَبَّلْ مِنِّي زِيَارَتِي وَ أَعْطِنِي سُؤْلِي بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ‏.

بار خدايا بر محمد و آل محمد رحمت فرست و زيارتم را از من بپذير و تقاضاهایم را به حق محمد و آل طاهرينش به من عطا فرماى.

پس بعد از نماز و دعا بگو .

اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّد وَآلِ مُحَمَّد \* وَلا تَدَعْ لی فی هذا الْمَکانِ الْمُکَرَّمِ وَالْمَشْهَدِ الْمُعَظَّمِ ذَنْباًاِلاّغَفَرْتَهُ \* وَلا هَمّاً اِلاّ فَرَّجْتَهُ \* وَلا مَرَضاً اِلاّ شَفَیْتَهُ \* وَلا عَیْباً اِلاّ سَتَرْتَهُ \* وَلا رِزْقاً اِلاّ بَسَطْتَهُ \* وَلا خَوْفاً اِلاّ اَمِنْتَهُ \*وَلا شَمْلاً اِلاّ جَمَعْتَهُ \*وَلا غائِباً اِلاّ حَفِظْتَهُ \* وَلا دَیْناً اِلاّ اَدَّیْتَهُ \* وَلا حاجَهً مِنْ حَوائِجِ الدُّنْیا وَالآخِرَهِ لَکَ فیها رِضاً وَلِیَ فیها صَلاحٌ اِلاّ قَضَیْتَها \* یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ

خدايا درود فرست بر محمّد و خاندان محمّد، و در اين مكان‏ مكرّم، و زيارتگاه بزرگ، براى من گناهى مگذار جز آن‏كه بيامرزى، و نه اندوهى جز آن‏كه برطرف نمايى، و نه بيمارى جز آن‏كه‏ شفا دهى، و نه عيبى جز آن‏كه بپوشانى، و نه رزقى جز آن‏كه بگسترانى، و نه ترسى جز آن‏كه ايمنى دهى، و نه پراكندگى جز آن‏كه‏ گرد آورى، و نه دور از نظرى جز آن‏كه حفظ كنى و ديدارش را نزديك نمايى، و نه حاجتى از حاجت‌هاى دنيا و آخرت، كه تو را در آن رضايت و مرا در آن مصلحت است جز آن‏كه برآورى، اى مهربان‏ترين مهربانان.

15ـ‌ بعد از هر زیارتی، راه‌های آسمان به سوی زائرِ اولیاء گشوده می‌شود و لذا خوب است از دعاهایی که دارای مضامین عالی است مانند مناجات شعبانیه و مناجات خمس‌عشر و از این قبیل دعاها، بهره‌گیرید و از آن طریق با خدا مناجات کنید. در ضمن عنایت داشته باشید همان‌طور که رسول خدا فرموده‌اند: «مرا در کربلا زیارت کنید» به این معنی که با زیارت امام حسین در کربلا، نظر به رسول خدا نمایید. در محل شهادت یاران حسین نیز حضرت سیدالشهداء را زیارت کنید و از زیارت عاشورا در این مکان‌ها غفلت نفرمایید.

16- در رابطه با جایگاه و ارزش محل شهادت شهدا همین بس که مقام معظم رهبری«حفظه‌الله‌« می‌فرمایند:

«من اين سرزمين را يك سرزمين مقدس مي‌دانم. اين‌جا نقطه‌‌اي است كه ملائكه‌ی الهي كه شاهد فداكاري مخلصانه‌ی اين شهداي عزيز بودند، به اين‌جا تبرك مي‌جويند. اين‌جا متعلق به هركسي است كه دلش براي اسلام و براي قرآن مي‌تپد. اين‌جا متعلق به همه‌ی ملت ايران است. دل‌هاي همه‌ی ملت ايران، متوجه اين نقطه، اين بيابان و همه‌ی اين مناطقي است كه شاهد فداكاري‌هاي  جوان‌ها بوده است. شما كه اين‌جا را گرامي مي‌داريد، خوب مي‌كنيد؛ آمدن شما و احترام به اين نقطه، بسيار به‌جا و بسيار كار صحيحي است. بنده هم خواستم به ارواح طيبه‌ي شهيدان و به نفس‌هاي معطر جوانان مؤمن، تبرك بجويم و به اين عزيزان احترام كنم؛ من هم آمدم در جمع شما شركت كردم».

امید است شما عزیزان نیز از برکاتی که مقام معظم رهبری«حفظه‌الله‌« و ملائکه‌ی الهی نسبت به چنین مکانی بهره می‌گیرند محروم نشوید.

خدایا! همان‌طور که با ارسال رسولان، راهِ آسمان را به روی خلایق گشودی، اقرار می‌کنیم که راه اُنس با ملکوت را از طریق شهداء به انسان سرگشته‌ی این روزگار نمایان کردی، خدایا! راهی که شهداء نمایاندند را باز نگه دار تا راه رسولان نیز گشوده بماند.

**سؤال:** از سفر زیارتی کربلای ایران ، در ارتباط با شهداء و نظر به حقیقت انها باید چه گفت و با این حقایق و وجودهای پاک چگونه باید ارتباط برقرار کرد، در راه سلوک یک انسان چه تاثیری دارد،تا آنجا که مقام معظم رهبری آنقدر تاکید بر زنده نگه داشتن یاد و خاطره شهدا می کنند و این کار را با مقام شهادت یکی می دانند ؟

**جواب**: من چگونه می‌توانم از نوری بگویم که در مقتل پاک‌ترین انسان‌های ملکوتی جریان دارد. ملائکه‌ی الهی مددکار رزمندگان بودند تا آن حماسه‌ها را بیافرینند و در مسیر فنای فی‌الله به شهادت برسند. آن ملائکه تا قیام قیامت در مقتل آن‌ها مانده‌اند و بر جان زائرانِ مقتل شهدا، نسیم بصیرت و عبودیت می‌وزانند و راه ملکوت را بر جان زائران می‌گشایند تا پس از بازگشت در شلوغی زندگیِ دنیایی مقهور کثرات نگردند. فکه و طلائیه و هویزه و شلمچه هرکدام خیمه‌ی افراشته‌ای هستند که یک در به سوی زمین دارند و یک در به سوی آسمان و چون وارد آن شدی دری به سوی عالَم ملکوت و برزخ و قیامت به رویت گشوده می‌شود. در خیمه‌گاه فکه و طلائیه و هویزه و شلمچه به سیره‌ی شهدا بنگر تا ملکوتی‌ات کنند. حضرت روح الله«رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» بر بازوی رزمندگان بوسه زد که جای بوسه‌ی ملائکة‌الله بود. هنوز شهدا زنده و فعّال در حال انجام مأموریت‌اند تا در این ظلمات دست ما را بگیرند و مزه‌ی لذّات معنوی را به کام ما بریزند تا لذّات دنیایی برایمان جلوه نکنند.

باز تاکید می‌کنم ملائکه‌ی الهی که به نور خود به شهدا کمک کردند تا بهترین عمل را انجام دهند و به بهترین مرگ نایل شوند در مقتل شهدا به استقبال زائران آن‌ها می‌آیند و با یک نحوه همسنخی که زائر با مَزور پیدا می‌کند پس از برگشتِ زائر او را بدرقه می‌کنند. همان‌طور که شهدا را سؤال و جوابی نیست زائر شهدا در جواب سؤال ملکین در نمی‌مانند و از بهشتی که در افق جان آن‌ها نمایان است محروم نمی‌گردند. و این است راز آن‌که پس از برگشت از کربلای ایران احساس می‌کنید از گناهان فاصله دارید. مواظب باشید این فاصله را با یاد شهدا حفظ کنید.

همان‌طور که حضرت ابالفضل نور امام حسین را ملموس‌تر می‌نمایاند تا قلب ما آمادگی لازم جهت درک پرتو درخشان نور حسین را پیدا کند، شهدای کربلای ایران، همچون ابالفضل نوری از انوار حضرت روح الله«رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» را می‌نمایانند تا قلب‌های ما امکان قرارگرفتن در ذیل شخصیت اشراقی حضرت امام خمینی«رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» را بیابد و از ظلمات دوران رهایی یابد. موفق باشید

التماس دعا

در آخر خوب است با جملاتی از شهید آوینی و با نگاهی که آن شهید بزرگوار به شهیدان انداخت و در کنار شهیدان به ملکوت پرواز کرد، به شهیدان بیندازیم. او می‌گفت:

مکه برای شما، فکه برای من… بال نمی‌خواهم، این پوتین‌های کهنه هم مرا به آسمان می برند.

اي شهيد… اي آن‌كه بر كرانه‌ی ازلي و ابدي وجود بر نشسته‌اي ، دستي بر آر و ما قبرستان‌نشينانِ عادات سخيف را نيز از اين منجلاب بيرون كش.

بسیجی عاشق کربلاست وکربلا را تو مپندار که شهری است در میان شهرها و نامی است در میان نام‌ها، نه؛ کربلا حرم حق است و هیچ‌کس را جز یاران امام حسین راهی به سوی حقیقت نیست. کربلا ما را نیز در خیل کربلاییان بپذیر....

حسین سرسلسله‌ی همه‌ی شیدایان حق است. عالَم همه در طواف عشق است و دایره‌‌دارِ این طواف، حسین است. ولی نپندار که تنها عاشوراییان را بدان بلا آزموده اند ولا غیر ، صحرای بلا به وسعت همه‌ی تاریخ است.

مرده آن است که نصیبی از حیات طیبه‌ی شهدا ندارد مبادا غافل شویم و روزمرّگی ما را از حضور تاریخی خویش غافل کند.

پندار ما اینست که ما مانده‌ایم و شهدا رفته‌اند اما حقیقت آن است که زمان، ما را با خود برده است و شهداء مانده‌اند.

زمان بادی است که می‌وزد، هم هست، هم نیست. آن‌که ریشه در خاک استوار دارد را از طوفان هراسی نیست. جنگ می‌آمد تا مردان مرد را بیازماید. جنگ آمده بود تا از خرمشهر و فکه و شلمچه و.. دروازه‌ای به کربلا باز شود.

هنر آن است که بمیری پیش از آن‌که بمیرانندت و مبدأ و منشأ حیات آنانند که چنین مرده‌اند.

سلامت دنیا بیماری است و بیماری اش شفا و سلامت، چراکه بنیان دنیا در عادات است و سلامت حقیقی، هرچه هست در ترک عادات و عتق از ملکات.

عارف سالک اگر قول و فعلش خلاف این عالم است، نه از سر لودگی و مسخره‌گی است ، بل او عالم عادات را خراب می‌کند تا حقیقت بنا شود.

"سَر" آن است که در طریق وصال به باد رود و "جان" متاعی است که هم او بخشیده است تا به بهای آن لقایش را باز خریم، و سّر آن‌که خون مقتول عشق را ثارالله گفته‌اند نیز در همین جاست.

مردمان مسافر کاروان مرگ‌اند، اما خود نمی‌دانند، مرگ کاروان‌دارِ سفر زندگی است ، کجاوه ثابت می‌نماید اما کاروان در سفر است.

"ترک هوش کن" که "هوشیار" در خودی خود اسیر است و تا خود باقی است یار از تو می‌رمد، بیهوده نیست این‌همه که عاشقان از عقل می‌نالند؛ عقل عقال است و جان را از پای بست خاک می‌کند و تا عقل باقی است، خود از میانه بر نمی‌خیزد و مستان در جست و جوی بی‌خودی به مستی روی آورده‌اند، که مستی و بی‌خودی باهم‌اند؛ مستی زوال عقل است و از این روی هم ره بی خودی است.

بندگی خدا میثاق ازلی است که انسان در عمق فطرت خویش بدان شهادت می‌دهد و او فطرتأ به مبدأ عالم، علم و گرایش دارد و اگر به نفس خویش رجوع کند در باطن خویش خواهد یافت که خداوند فجور و تقوا را به نفس او الهام فرموده است و آسمان لایتناهی تمنای او را هیچ کرانه‌ای جز قدرت و اراده‌ی مطلق، علم مطلق، حسن مطلق و حیات محض محدود نمی‌کند.

می‌خواهم در رثای شما ای کبوتران خونین بال دل حرم أمن، مرثیه‌ای بسرایم اما کلام زمین‌گیر است و کبوتر شکسته بال، دل من نیز آسمان را تنها در خیال می‌پرورد. کلام اسیر قفس ماهیات است و عقل اسیر دام کلام و آن جا که شما بال کشیدید پر جبرائیل عقل می‌سوزد آن‌جا جزء نبی عشق را بار نمی‌دهند و جز او و اوصیائش یعنی آنان که ضمیر نسبیت را به آسمان اطلاق پیوند می‌دهند دیگر کیست که بتواند بر معراج انقطاع کامل پای نهد و چشم دلش به ضیاء نظر به غیبت الغیوب ذات نور یابد و این چنین از صدر المنتهی اسماء و صفات درگذرد و به معادن پنهان عظمت اتصال یابد و روحش به ذات عزیز قدوس تعلیق پیدا کند.

خیال هم می‌تواند براق بلند پرواز معراج انسانی باشد و هم خر دجّال مرکوب نفس اماره هرجا که خیال رفت؛ پسندیده نیست.

انسان در درون خودش زندانی است اما این زندان نفس را می‌توان آن‌همه وسعت بخشید که آسمان و زمین را در بر گیرد.

انسان اگر بتواند "خود" را در "خدا " فانی سازد نورالأنوار طلعت شمس حق از او نیز متجلی خواهد شد و عزت و عظمتی خواهد یافت بی نهایت.

هنرمند از آسمانیان می‌گیرد و بر زمینیان می‌بخشد. پس سینه‌اش باید قابلیت نزول ملائکه‌ای را داشته باشد که واسطه‌ی الهام هستند. سینه‌ی تنگ کوردلان کجا و آسمان بی‌کران کجا.

شیطان سوگند خورده است که« لازیننّ لهم فی الارض» و او آن چنان کثرات جمالیه حضرت حق در چشم انسان زینت می‌بخشد که او را سحر می‌کند و می‌فریبد. رنگ؛ کثراتی هستند تجلی‌یافته از نور سفید، اما اگر انسان اسیر "رنگ" شود از نور سفید باز می‌ماند.

جاذبه‌ی خاک به ماندن می‌خواند و آن عهد باطنی به رفتن، عقل به ماندن می‌خواند و عشق به رفتن... و این هر دو را خداوند آفریده است تا وجود انسان در آوارگی و حیرت میان عقل و عشق معنا شود.

بعضی‌ها ما را سرزنش می‌کنند که چرا دم از کربلا می‌زنید و از عاشورا؛ آن‌ها نمی‌دانند که برای ما کربلا بیش از آن‌که یک شهر باشد یک افق است که آن را به تعداد شهدایمان فتح کرده‌ایم، نه یک بار نه دو بار ... به تعداد شهدایمان.

زندگی به خون وابسته است و پیکر تاریخ بی‌خون خدا مرده‌ای بیش نیست و سر مبارک امام شهید بر فراز نی رمزی است میان خدا و عشاق؛ یعنی که این است بهای دیندار.

یار عاشق کش، عاشق خویش را به قتل می‌رساند تا او را حیات جاودان عندالهی بخشد، عدمش می‌گرداند تا در آینه‌ی عدمی او تجلی کند؛ فانی‌اش می‌گرداند تا بقایش بخشد.

اهل ظاهر موسی را سرزنش می‌کنند که "ربّ أرنی" می‌گوید، غافل که "رب ارنی" حقیقت عبادات است که جز شهدایِ راه خدا بدان وصول نمی یابند.

«راز» بی‌نشان است و «رمز» نشان بی‌نشانِ اشاره‌ای و دیگر هیچ، عالم وجود، عالم نشانه‌هاست و عالم بی‌نشان، فراسوی وجود در دیار نادیار عدم است و راه از فنا می‌گذرد. تا خود باقی است، عقل باقی است و حَیَّز وجود عقل، اعتبار واقع شود، راز نیست، عقل تنها برآنچه احاطه‌پذیر است علم می‌یابد و عالَمِ راز، عالَم تنهایی است که به حریم آن می‌توان واصل شد، اما نه به قدم علم که جز به معقولات متناهی راه نمی‌برد.

کعبه و ملک حجاز بهانه‌ی دیدار است و چون لقا بی‌بهانه حاصل شود دیگر چه نیازی به کعبه و ملک حجاز؟

شهادت زیباست، اما مثل مرد پای بیرق انقلاب ایستادن از آن‌هم زیباتر است. خون‌دادن برای خمینی زیباست، اما خونِ دل‌خوردن برای خامنه‌ای از آن‌هم زیباتر است.

چه کسی باور می‌کرد این شهدا این چنین با عالم ملکوت ارتباط پیدا کرده‌اند. آیا می‌توانید مناجات‌های شهید چمران را زمینی ببینیدکه می‌گوید:

"ترا شكر مي‌كنم كه از پوچي‌ها، ناپايداري‌ها، خوشي‌ها و قيد و بندها آزادم كردی و مرا در طوفان‌های خطرناك حوادث رها ننمودی، و در غوغای حيات، در مبارزه‌ی با ظلم و كفر غرقم كردی، لذت مبارزه را به من چشاندی، مفهوم واقعی حيات را به من فهماندی... فهميدم كه سعادتِ حيات در خوشی و آرامش و آسايش نيست، بلكه در جنگ و درد و رنج و مصيبت و مبارزه با كفر و ظلم و بالاخره در شهادت است.

خدايا ترا شكر مي كنم كه به من نعمت "توكل" و "رضا" عطا كردی، و در سخت‌ترين طوفان‌ها و خطرناك‌ترين گرداب‌ها، آنچنان به من اطمينان و آرامش دادی كه با سرنوشت و همه‌ی پستی‌ها و بلندي‌هايش آشتي كردم و به آنچه تو بر من مقدر كرده‌ای رضا دادم.

خدايا در مواقع خطر مرا تنها نگذاشتی، تو در كوير تنهايی انيس شب‌های تار من شدی، تو در ظلمت نااميدی، دست مرا گرفتی و كمك كردی... كه هيچ عقل و منطقی قادر به محاسبه و پيش‌بينی نبود، تو بر دلم الهام كردی و به رضا و توكل مرا مسلح نمودی، و در ميان ابرهای ابهام و در مسيری تاريك و وحشتناك مرا هدايت كردی."

مرحوم شهید آوینی در دوکوهه چه می‌بیند که می‌گوید:

یک بار دیگر سلام، دو کوهه!

قطارها دیگر در کنار دوکوهه نمی‌ایستند و بسیجی‌ها از آن بیرون نمی‌ریزند. قطارها دوکوهه را فراموش کرده‌اند و حتی برای سلامی هم نمی‌ایستند. بی‌رحمانه می‌گذرند، اما شهدا اُنسی دارند با دوکوهه که مپرس با ذره ذره خاکش، با زمینش، با دیوارهایش، با ساختمان‌هایش، با همه‌ی آنچه در چشم ما هیچ نمی‌آید. می‌گویی نه؟ از حوض روبه‌روی حسینیه‌ی حاج همت باز پرس که همه‌ی شهدای دوکوهه با آب آن وضو ساخته‌اند. در حاشیه اطراف حوض تابلوهایی هست که به یاد شهدا روییده‌اند اما الفت شهدا با این حوض نه فکر کنی که به سبب تابلوهاست!

من چه بگویم؟ اینها سخنانی نیست که بتوان گفت، تو خودت باید دریابی و اگر نه دیگر چه جای سخن؟

زمین صبحگاه نیز هنوز در جستجوی رازداران خویش است. اگر زبان خاک را بدانی، توجه اش را در فراق آنها خواهی شنید، هر چند او همه لحظات آنچه را که دیده است و شنیده، به خاطر دارد؛ صدای آسمانی شهید گلستانی را گاه خواندن دعای صبحگاه : " اللهم اجعل صباحنا صباح الصالحین ...."

نهرهای رحمات خاص حق جاری می شد و باغهایی از اشجار بهشتی لا اله الا الله می رویید و زمین صبحگاه بقعه‌ای می‌شد از بقاع رضوان. آنان که در دوکوهه زیسته اند طراوت این جنات را در جان خویش آزموده اند و هنوز از سکران چهار نهر آب و عسل و شیر و شراب سرمستند. جا دارد که دوکوهه مزار عشاق باشد، زیارتگاه عشاقی که از قافله شهداء جا مانده اند. ای قدمگاه بسیجی ها، ای قدمگاه عاشق ترین عاشقان، تو خوب می‌دانی که چه سایه‌ی بلندی را از کف داده‌ای.

بوسه‌های تو بر قدم‌هایی می‌نشسته است که استوارتر از عزم آنان را زمین به یاد ندارد. یادهایت را در خود تجدید کن تا آنجا که اگر هزارها سال نیز از این روزها بگذرد تو را با این نام بشناسند که قدمگاه بسیجیان بوده‌ای، شب را به یاد بیاور که انیس عشاق است؛ آن شب را، بعد از عملیات والفجر یک.

ای دوکوهه، تو را به خدا چه عهدی بود که از این کرامت برخوردار شدی و خاک زمین تو سجده گاه یاران خمینی شد؟

و حال چه می‌کنی، در فراق پیشانی‌هایشان که سبب متصل ارض و سما بود، و آن نجواهای عاشقانه؟

دوکوهه، می‌دانم که چقدر دل تنگی، می‌دانم که دلت می‌خواهد باز هم خود را به حبل دعای شهدا بیاویزی و با نمازشان تا عرش اعلی بالا روی. می دانم که چه می کشی دوکوهه! عمر تو هزارها سال است و شاید هم میلیون‌ها سال. اما از آن روز که انسان بر این خاک زیسته است، آیا جز اصحاب عاشورایی سیدالشهداء کسی را می‌شناسی که بهتر از شهدای ما خدا را عبادت کرده باشد؟

تو چه کرده‌ای که سزاوار کرامتی این همه گشته‌ای که سجده‌گاه یاران خمینی باشی؟ چه پیوندی است میان تو و کربلا؟

کدام رسول بر خاک تو زیسته است؟ تو کهف اعتکاف کدام عارف بوده‌ای؟ اشک کدام عزادار حسینی بر تو چکیده است؟ چه کرده‌ای دوکوهه؟ با من سخن بگو... حسینیه‌ات نیز سکوت کرده است و دم برنمی‌آورد.

ما که می‌دانیم، زمان، بستر جاری عشق است تا انسان‌ها را در خود به خدا برساند و حقیقت تمامی آنچه در زمان حدوث می‌یابد باقی است. پس، از حسینیه‌ی حاج همت بخواه که مهر سکوت از لب برگیرد و با ما سخن بگوید. اینجا حرم راز است و پاسداران حریم آن، شهدایند؛ شهدایی که در آن نماز شب اقامه کرده اند و با خدا راز و نیاز گفته‌اند؛ شهدایی که در حسینیه چشم بر جهان غیب گشوده اند؛ شهدایی که همسفران عرشی امام بوده‌اند و اکنون میزبان او هستند. عمق وجود من با این سکوت رازآمیز آشناست؛ سکوت که در باطن، هزارها فریاد دارد. من هرگز اجازه نمی‌دهم که صدای حاج همت در درونم گم شود. این سردار خیبر، قلعه‌ی قلب مرا نیز فتح کرده است.

این سخنان از کدام چشمه در قلب امثال شهید چمران و شهید آوینی جوشیده است، جز این است ‌که این بزرگان در سلوک خود سعی کردند خود را در ذیل شخصیت حضرت امام«رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» و در وادی ارادت به انقلاب اسلامی وارد کنند و از طریق با عالم ملکوت مرتبط شده و در نوشته‌های خود از آن عالم گزارش می‌دهند؟

والسلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته

1. ـ سوره‌ی احزاب، آیه‌ی 23 [↑](#footnote-ref-1)
2. ـ سوره‌ی طه، آیه‌ی 12 [↑](#footnote-ref-2)
3. ـ سوره‌ی حجرات، آیه‌ی 2 [↑](#footnote-ref-3)
4. ـ وسائل الشیعه، ج:4، ص:33 [↑](#footnote-ref-4)
5. ـ صحیفه‌ی سجادیه، دعای 23 [↑](#footnote-ref-5)
6. ـ وسائل الشیعه، ج:14 ص:588 [↑](#footnote-ref-6)
7. ـ سوره‌ی نساء، آیه‌ی 64 [↑](#footnote-ref-7)
8. ـ وسائل الشیعه، ج:14 ص:341 [↑](#footnote-ref-8)
9. ـ کافی، ج:5 ص:57 [↑](#footnote-ref-9)
10. ـ صحیفه‌ی سجادیه، دعای 28 [↑](#footnote-ref-10)
11. ـ سوره‌ی توبه، آیه‌ی 111 [↑](#footnote-ref-11)
12. ـ سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی 169 و 170 [↑](#footnote-ref-12)
13. - مطالب فوق برگرفته شده از زیارات مختلف در مورد شهدا و اولیاء الهی می‌باشد. [↑](#footnote-ref-13)
14. - بحار الأنوار، ج‏67، ص: 196 [↑](#footnote-ref-14)